

دریای خزر: مشکلات و مسایل زیست محیطی

تورکایا آتائف^۱

دریای خزر به وسیله فضولات صنعتی وارده از طریق رود ولگا و نیز استخراج ذخایر هیدروکربن آلوده شده است. همچنین، در خصوص دریای خزر، مشکلات افزایش سطح آب این دریا و تقدم «نفت یا ماهی» مطرح گشته است. تداوم آلودگی‌ها در آینده ماهی‌ها را از بین می‌برد، یک منبع مهم تغذیه را نابود می‌نماید و برای میلیون‌ها نفر از مردمی که در سواحل دریای خزر زندگی می‌کنند، بیکاری به بار می‌آورد. تشدید مشکلات ممکن است در آینده سبب بروز عکس‌العمل تند در مقابل کشورهایی که شرکت‌های نفتی به آنان وابسته‌اند، شود. اگر شرکت‌های نفتی در زمینه مشارکت در بنیاد صندوقی که برای مقابله با مسایل دریای خزر ضرورت دارد، تعال نمایند، این عکس‌العمل ممکن است بزودی رخ دهد. حتی اگر برای ممنوعیت صید انواعی از ماهی‌ها اقدام شود، مسایل جدیدی ممکن است در زمینه نحوه اجرای آن مطرح گردد. در حالی که ایجاد تشکیلات بازرسی، نظارت و نیروهای دریایی ادامه فعالیت‌های ممنوع شده را کاهش خواهد داد، ولی وجود خود این ناوگان‌های کوچک، ممکن است خطر برخورد‌های نظامی را افزایش دهد. یک راه‌حل در زمینه بالا آمدن آب دریا می‌تواند برقراری دوباره ارتباط زیرزمینی با دریای آرال باشد. دریای خزر به خاطر ازدیاد آب آن در حال طغیان می‌باشد و دریای آرال به دلیل کاهش سطح آب آن در حال خشک شدن است.

دریای خزر بزرگترین دریاچه کره زمین است. اگرچه این دریاچه بیشتر به نام «دریای خزر» معروف می‌باشد، ولی یک دریاچه محصور در خشکی است. اکتشافات به عمل آمده در این دریا و سرزمین‌های پیرامونی آن، حاکی از وجود ذخایر قابل توجه نفت و گاز طبیعی می‌باشد. با چنین ذخایری که به دهها میلیارد تن می‌رسد، دریای خزر همراه با سواحل شمالی

۱. دکتر تورکایا آتائف (Turkkaya Ataov) استاد رشته روابط بین‌الملل دانشگاه مدیترانه شرقی ترکیه می‌باشد. این مقاله توسط آقای قاسم ملکی به فارسی ترجمه شده است.



و شرقی در قزاقستان و ترکمنستان ممکن است در آینده بزرگترین عرضه‌کننده این دو کالای ارزشمند در آسیا و اروپا محسوب گردد.

دریای خزر همچنین اهمیت اقتصادی قابل ملاحظه‌ای برای مردمانی که در سواحل آن زندگی می‌کنند دارد، آنانی که از نظر معیشت به‌طور سنتی به صنعت ماهیگیری وابسته هستند. اشتغال این مردمان که شمارشان حدود ۱۰ میلیون نفر است، به‌طور جدی تحت تأثیر تغییرات صنعت ماهیگیری در دریای خزر می‌باشد.

آبهای رودخانه‌های ولگا در روسیه، اورال^۱ و امبا^۲ در قزاقستان، کورا^۳ در جمهوری آذربایجان، سامور در مرز داغستان^۴ - آذربایجان، سولاک^۵ و ترک^۶ در داغستان و اترک و سفیدرود در ایران به دریای خزر می‌ریزند. ابعاد این دریا در منابع گوناگون، متفاوت است، شاید به لحاظ اینکه دریای خزر به واسطه طغیان در بعضی از نواحی ساحلی، بزرگتر می‌شود. مساحت کنونی دریای خزر ۳۷۸ هزار کیلومترمربع است.

بعضی از مقالات و نوشته‌ها با جلب توجه، به نگرانی‌های مربوط به «اکوسیستم» منحصر به فرد این دریا و مشکلات و زیانهای جدی ناشی از بالا آمدن بیش از حد طبیعی آب پرداخته‌اند.^۷

آلودگی ناشی از استخراج نفت، به منبع با ارزش اقتصادی ماهی این دریا (خاویار) خسارت وارد کرده و طغیان سواحل، ضرورت انجام اقدامات فوری را طلب می‌کند. مطبوعات روسیه وجود مشکلات زیست محیطی جدی را هشدار داده و آن را ناشی از تخطی از معیارهای عملی سابق در استفاده از دریای خزر و فقدان کنترل بر عملیات استخراج نفت و گاز می‌دانند.

1. Ural

2. Emba

3. Kura

4. Daghestan

5. Sulak

6. Terek

7. For instance: Kamilzhan Kalandarov, «Na Kaspii stolknulis' interesy mirovikh dershav - Zapad stremitsa vytesnit' Rossiya iz etaga regiona», *Nezavisimaya Gazeta*. No.101 (4 June 1997)' Karine Gevorgyan, «Vo chto oboydetsa kaspiyskaya neft'put' k realizatsii dogovorennosti mozhet okazat'sya ves'ma slozhnim». *idem*; Vyacheslav Zilanov, «Kaspiyskoye More: Ryba ili Neft, *Ibid.*, No.156 (22 August 1997)' C.W. Blandy, *The Caspian: A sea of Troubles*, Surrey. Conflict Studies Research Center (hereafter CSRC), August 1997.





در حالی که موضع کنونی روسیه، با توجه به منافع آن کشور، با مفهوم یکپارچگی این دریا مرتبط است، موفقیت و شکوفایی اقتصادی سه کشور دیگر تولیدکننده نفت و گاز دریای خزر شامل جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان به میزان زیادی به نفت و گاز این دریا وابسته است.

برای استخراج و حمل منابع غنی هیدروکربنی دریای خزر و عرضه آن در بازارهای جهانی، ضروری است موانع بسیاری از سر راه برداشته شود. شماری از این مشکلات و موانع از این قرارند:

۱. اختلاف نظر در مورد موقعیت دریای خزر؛

۲. رقابتها بین قدرتهای منطقه‌ای؛

۳. مسایل ناشی از تدارک کشورهای غربی برای نفوذ در منطقه؛

۴. روابط روسیه با دولتهای ترک و اسلامی ذینفع؛

۵. مشکلات و مسایل زیست محیطی

سؤالات بسیاری با این موانع مربوط می‌شوند. برای مثال: آیا دریای خزر می‌تواند تحت حاکمیت مشترک کشورهای ساحلی قرار گیرد؟ آیا حدود حاکمیت کشورها بر دریای خزر می‌تواند معین و مشخص باشد؟ آیا خزر یک دریاست یا یک دریاچه؟ چگونه می‌توان ادعاهای جدال‌انگیز دولتهای همسایه را با یکدیگر هماهنگ نمود؟ چه مسیرهایی برای حمل و نقل نفت و گاز دریای خزر به بازارهای جهانی باید مورد استفاده قرار گیرد؟ دیدگاههای کشورهای ساحلی راجع به موقعیت دریای خزر به صورت خلاصه چنین است:

الف) هر کشور باید آبهای سرزمینی مشخص و معین خود را همراه با یک بخش دیگر از بقیه دریا داشته باشد.

ب) هر کشور باید قلمرو سرزمینی، حوزه‌های ماهیگیری و یک فلات قاره را همراه با یک بخش مرکزی مشترک در اختیار داشته باشد.

ج) دریای خزر به عنوان یک دریاچه مرزی مورد ملاحظه قرار گیرد.^۱

1. The Caspian: A catastrophe in the Making, the Destruction of a Unique Ecosystem, Surrey, CSRC. September 1997; The Caucasus Region and Caspian Basin: «Change, Complication and Change», Surrey, CSRC. April 1998.



در چارچوب جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، آسیای مرکزی از لحاظ منافع ملی روسیه حیاتی است. براساس دیدگاه روسیه، دریای خزر یک دریای باز نیست، بلکه یک حوزه آبی مسدودی است که حقوق انحصاری کشورهای ساحلی در مناطق و نواحی ویژه را، همان‌طور که در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد در مورد حقوق دریاها به آن اشاره شده است شامل نمی‌شود، و بنابراین منشاء حقوق کشورهای ساحلی صرفاً می‌تواند براساس یک موافقتنامه بین‌المللی باشد. بنابر نظر روسیه، کشورهای ساحلی بر ۲۰ مایل از آبهای سرزمینی حاکمیت دارند و در ۲۰ مایل دیگر مجاز به اکتشاف و استخراج منابع طبیعی می‌باشند. اما بخش مرکزی باقی‌مانده به‌عنوان ثروت مشترک تمامی کشورهای ساحلی تلقی می‌گردد.

قراردادهای گذشته، صرفاً برای کشتیرانی و ماهیگیری به‌کار می‌روند و برای تعریف موقعیت دریای خزر کافی نمی‌باشند. قراردادهای بین ایران و روسیه (گلستان ۱۸۱۳ - ترکمانچای ۱۸۲۸) برتری حضور نظامی روسیه را در داخل و اطراف دریای خزر به رسمیت می‌شناسد، به روسیه حق داشتن ناوگان دریایی در آن دریا را اعطا کرده و نیز به بازرگانان دو سوی ساحل اجازه می‌دهد که در کشورهای یکدیگر به امور تجاری بپردازند. قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بین ایران و روسیه مشتمل بر اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری از منابع و ذخایر کانی نیست. روسیه جمهوری‌های شوروی سابق را موظف به اجرای قراردادهای قبلی ایران و روسیه و نیز اعلامیه ۱۹۹۱ آلماتا می‌داند.

اگرچه ایران به‌طور کلی به‌عنوان پشتیبان [دیدگاه‌های] روسیه مطرح شده است، اما ملاحظات اقتصادی نیز در هدایت آن کشور چندان بی‌تأثیر نمی‌باشد. حمایت اولیه تهران از نظام حقوقی موسوم به حاکمیت مشترک (بر دریای خزر) اکنون منحصرأ به واسطه اولویتهای اقتصادی قابل توجیه می‌باشد.

جمهوری آذربایجان و قزاقستان بیشترین سهم بهره‌برداری و استخراج را دارا هستند. جمهوری آذربایجان دریای خزر را به‌عنوان دریاچه مرزی محسوب می‌نماید و با تقسیم آن به ۵ بخش جداگانه موافق است. نظر جمهوری آذربایجان بر مبنای نظام حاکم در مورد «دریاچه‌های بزرگ»^۱ بین ایالات متحده و کانادا و دریاچه چاد بین کامرون، چاد، نیجر و نیجریه می‌باشد.

اگرچه جمهوری آذربایجان تعبیر دیگری براساس دریای باز دارد و برای هر کشوری یک محدوده ۱۲ مایلی از آبهای ساحلی به‌علاوه یک منطقه اقتصادی تا ۲۰۰ مایل دریایی را قائل است، ولی چنین امکانی واقعاً یک راه حل دوم نیست، زیرا حداکثر عرض دریای خزر از چند مایل دریایی بیان شده، تجاوز نمی‌کند.

براساس دیدگاه قزاقستان، دریای خزر باید به چندین منطقه اقتصادی با یک خط مرکزی با مسافت مساوی از سواحل روبرو تقسیم شود؛ و نیز هر کشوری باید از حقوق انحصاری در محدوده خود برخوردار باشد. تا اوایل سال ۱۹۹۷، ترکمنستان بر این عقیده بود که هر دولت ساحلی باید یک ناحیه ماهیگیری مختص به خود و یک فلات قاره برای استخراج ذخایر کانی، که عرض آن با مشورت با دیگر کشورهای ساحلی تعیین گردد، داشته باشد.

به هر حال، بعداً، ترکمنستان مدعی حقوق خود در مورد بخشی از ذخایر استخراج شده از طرف جمهوری آذربایجان گردید که شباهت بسیار به دیدگاه منتسب به تقسیم دریای خزر دارد. با طرح ادعاهای سرزمینی نسبت به جمهوری آذربایجان، ترکمنستان سهواً از نظریه تقسیم دریا به بخش‌های ملی دفاع می‌کند.

مسیرهای متعددی به منظور حمل و نقل نفت و گاز از جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان به بازارهای جهانی وجود دارد. بیشتر مسیرها با موانعی از لحاظ عوارض زمینی، عدم ثبات و هزینه اضافی روبه‌رو می‌باشند. شبکه حمل و نقل شوروی سابق که در مسیر بازارهای داخلی سازمان داده شده بود به سه جمهوری ترک‌زبان ساحلی دریای خزر تحمیل شده است.

مسیرهای جایگزین در مقابل مسیری که از روسیه می‌گذرد، باید در نظر گرفته شوند. وضعیت نفت و گاز دریای خزر سه کشور ساحلی ترک‌زبان را به یک جهت‌گیری اروپایی سوق می‌دهد. سؤال این است که کدام خط لوله یا کدام یک از خطوط لوله مطمئن‌ترین و دارای کمترین هزینه می‌باشد.

نظریه مبتنی بر دو خط لوله، که یکی قبلاً در مسیر یکی از بنادر شمالی روسیه تعیین شده و دیگری به یک بندر در جنوب ترکیه می‌رود، مورد توجه سه جمهوری ترک‌زبان



ساحلی دریای خزر می‌باشد. با وجود اینکه اجرای دو طرح، مستلزم جذب سرمایه لازم از هر طرف خواهد بود؛ با این حال، برای تولیدکنندگانی که مایل هستند بر یک مسیر تکیه کنند، آرامش خیال فراهم می‌کند. در حالی که روسیه مسیری را که از نوروسیسک^۱ در دریای سیاه عبور می‌کند، ترجیح می‌دهد، ترکیه مسیر مدیترانه‌ای از طریق آناتولی^۲ را که در مقایسه با مسیر روسیه عملی‌تر است، در نظر دارد. ترکیه قویاً با استفاده از تنگه‌های ترکیه^۳ مخالفت می‌کند چون در نتیجه افزایش عبور و مرور تانکرهای حامل نفت و گاز از این تنگه‌ها آلودگی‌های زیست‌محیطی به‌طور جدی وسعت می‌یابند.

موقعیت اقلیمی مصیبت‌بار است. حداقل، بعضی از مشکلات اقلیمی که ممکن است فاجعه زیست‌محیطی را در آینده نزدیک سبب شود، احتیاج به راه‌حلهایی قبل از استخراج منابع و ذخایر هیدروکربنی دریای خزر دارد. استخراج نفت اثرات نامطلوبی بر زیست‌انواع ماهیان دریای خزر گذاشته است. ایجاد سکوهای حفاری و استقرار خطوط لوله در دریای خزر نه تنها حوزه‌های ماهیگیری سنتی را از بین می‌برد، بلکه در مهاجرت‌های ماهیان نیز اثر می‌گذارد، همچنین اختلاط مواد حاصل از حفاری با آب نیز بسیاری از آبزیان زنده را از بین می‌برد.

با وجود شمار زیادی از انواع ماهی در دریای خزر، فقط حدود ۳۰ نوع از آنها اهمیت اقتصادی دارند که مهمترین آنها استروژن است که از آن خاویار سیاه به‌دست می‌آید. همچنین، سه گونه دیگر از خانواده آن نوع ماهی، به نامهای بلوگا^۴، سوروگا^۵ و شیب^۶ نیز دارای ارزش تجاری بسیار بالا می‌باشند. آلودگی دریای خزر تقریباً تمامی انواع ماهی‌ها، به‌ویژه نوع استروژن را، تهدید می‌کند. بیشتر انواع ماهیان به سبب میادین نفتی واقع در فلات قاره با خطر انقراض روبرو هستند. نظام حکومتی شوروی اصول مشخصی برای محافظت از ذخایر و منابع انواع ماهی، تکثیر مصنوعی ماهی‌ها، معرفی گونه‌های جدید و انجام اقداماتی برای جلوگیری از اثرات منفی را تدوین نموده بود.

روش کلی بر مبنای بهره‌برداری منطقی از منابع و ذخایر انواع ماهی بود. ۹۰ درصد

1. Novorossiysk

2. Anatolia

3. Turkish Stairs

4. Beluga

5. Sevruga

6. Ship



مجموع استروژن صیدشده در سطح جهان از دریای خزر به دست می‌آید. از طرف دیگر، فقط ۳ درصد نفت تولید شده شوروی از دریای خزر استخراج می‌گشت. تخم‌ریزی و تولید مثل طبیعی ذخایر استروژن در رودخانه‌های ولگا و اورال صورت می‌گرفت و در سواحل این دو رودخانه نیز حوضچه‌های پرورش ماهی احداث شده بود. توقیف سلاح‌های غیرقانونی به موازات صید غیرقانونی در دریای خزر نیز افزایش یافت.

نیاز به حفاظت از مناطق ماهیگیری در آبهای سرزمینی، ضرورت تشکیلاتی از نیروهای دریایی را ایجاب نموده و ممکن است خطر توسل به زور را در بین همسایگان دریای خزر افزایش دهد.

در حالی که منطق اقتصاد بازار معیارهای عملی صید ماهی را تحلیل می‌برد، علاوه بر استخراج نفت، فقدان سرمایه کافی در کشورهای ساحلی دریای خزر نیز در تخریب این دریا تأثیر بسیار دارد.

در شرایط کنونی، ممکن است سؤال زیر مطرح شود: کدام یک از منابع دریای خزر دارای اولویت می‌باشد؟ آیا استخراج نفت باید ادامه یابد یا افزایش ذخایر ماهی استروژن؟ گمان می‌رود که بهره‌برداری از ذخایر نفتی دریای خزر برای سه تا پنج دهه طول بکشد. یک تن نفت ۸۰ تا ۱۰۰ دلار آمریکا ارزش دارد، در حالی که یک تن خاویار ماهی استروژن (بنا به نوع آن) بین ۱۸۰،۰۰۰ تا ۶۰۰،۰۰۰ دلار عرضه می‌گردد. منابع نفتی شناخته شده دریای خزر بین ۷ تا ۱۰ میلیارد تن می‌باشد.

شرایط مناسبی باید فراهم باشد تا ماهیگیری و استخراج نفت هر دو با هم انجام شوند. برای مثال، شرکت‌های نفتی باید فعالیت‌های خودشان را به خارج از نواحی حفاظت شده، حوزه‌های تخم‌ریزی ماهیان و مسیرهای مهاجرت پرندگان محدود نمایند. به نظر می‌رسد لازم است یک صندوق بین‌المللی یا مشارکت شرکتهای نفتی ایجاد شود. در حالی که، چنین مشارکتی شرکتهای نفتی را به خاطر ایجاد خسارات زیست‌محیطی مورد تقبیح قرار می‌دهد، ولی از یک دید بهتر، ایجاد چنین صندوقی می‌تواند سرمایه لازم را برای حمایت از اقداماتی به منظور استفاده منطقی از منابع دریای خزر، فراهم نماید. در این میان به نظر می‌رسد به منظور جبران خسارات و زیانهای وارده به ماهی گران قیمت استروژن، ممنوعیت صید آن اعلام گردد.



مسأله اقلیمی دیگر آن است که سطح آب دریای خزر به‌طور پیوسته در حال افزایش بوده و سواحل کالمیکیا^۱ (در فدراسیون روسیه) و جمهوری آذربایجان را مورد تهدید قرار داده است و چند صدکیلومتر از خط ساحلی ممکن است در آب فرو رود. افزایش سطح آب بر مبنای تصمیم‌های گذشته بود که در نظر داشت از کاهش احتمالی سطح آب دریای خزر جلوگیری کند.

بین سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۵۲، از وسعت دریای خزر بیش از ۳۰،۰۰۰ کیلومترمربع کاسته شده بود و طبق محاسبه به‌عمل آمده در اوایل دهه ۱۹۷۰، سطح آب دریای خزر تا سال ۲۰۰۰ میلادی حدود ۲ متر کاهش پیدا می‌کرد.

بدین لحاظ، ارائه یک پاسخ فنی ضرورت داشت. یکی از نتایج دوران دسترس، انجام اقدامات مفیدی برای افزایش سطح آب دریای خزر بود.

دلیل اصلی برای افت سطح آب، کاهش حجم آب رودخانه‌هایی بود که دریای خزر را تغذیه می‌کردند. رودخانه‌های ولگا، امبا، اورال و ترک ۸ درصد آب سالیانه وارده به دریای خزر را تأمین می‌کردند. سطح آب قره بغازگل^۲ که یک خلیج در دریای خزر و داخل سرزمین ترکمنستان محسوب می‌گردد، به میزان ۴ متر پایین‌تر از سطح آب دریای خزر می‌باشد و باید بخشی از آب‌های این دریا برای هم‌سطح شدن آب خلیج مجاور آن در شرق، به آنجا سرازیر شود. علاوه بر این، بخشی دیگر از آب دریای خزر به طرف دریای آرال کشیده می‌شود، زیرا این دو دریا نوعی ارتباط از طریق بسترهای زیر دریا با یکدیگر دارند.

طرحی که در دهه ۱۹۷۰ اجرا شد، جریان آب را به سمت خلیج بغاز برگرداند و مانع جاری شدن آب به سوی دریای آرال گشت. علاوه بر آن، وجود سدها، مخازن و تأسیسات هیدروالکتریک در ولگا (بزرگترین رودی که به دریای خزر می‌ریزد) از جمله عواملی بودند که در جهت کاهش حجم آب مؤثر بودند.

دریای خزر به وسیله فضولات صنعتی وارده از طریق رود ولگا و نیز استخراج ذخایر هیدروکربن آلوده شده است. همچنین، در خصوص دریای خزر، مشکلات افزایش سطح آب

1. Kalmykia

2. Kara Boghaz Gol (The Black waterway Lake in Turkish)



این دریا و تقدم «نفت یا ماهی» مطرح گشته است. تداوم آلودگی‌ها در آینده ماهی‌ها را از بین می‌برد، یک منبع مهم تغذیه را نابود می‌نماید و برای میلیون‌ها نفر از مردمی که در سواحل دریای خزر زندگی می‌کنند، بیکاری به بار می‌آورد. تشدید مشکلات ممکن است در آینده سبب بروز عکس‌العمل تند در مقابل کشورهای که شرکتهای نفتی به آنان وابسته‌اند، شود. اگر شرکتهای نفتی در زمینه مشارکت در بنیاد صندوقی که برای مقابله با مسایل دریای خزر ضرورت دارد، تعلل نمایند، این عکس‌العمل ممکن است بزودی رخ دهد. حتی اگر برای ممنوعیت صید انواعی از ماهی‌ها اقدام شود، مسایل جدیدی ممکن است در زمینه نحوه اجرای آن مطرح گردد. در حالی که ایجاد تشکیلات بازرسی، نظارت و نیروهای دریایی ممکن است ادامه فعالیت‌های ممنوع شده را کاهش دهد، ولی وجود خود این ناوگان‌های کوچک، ممکن است خطر برخوردهای نظامی را افزایش دهد.

یک راه‌حل در زمینه بالا آمدن آب دریا می‌تواند برقراری دوباره ارتباط زیرزمینی با دریای آرال باشد. دریای خزر به خاطر ازدیاد آب آن در حال طغیان می‌باشد و دریای آرال به دلیل کاهش سطح آب آن در حال خشک شدن است.

کتابخانه و مرکز تحقیقات اسلامی
بنیاد و ایراد المعارف اسلامی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی